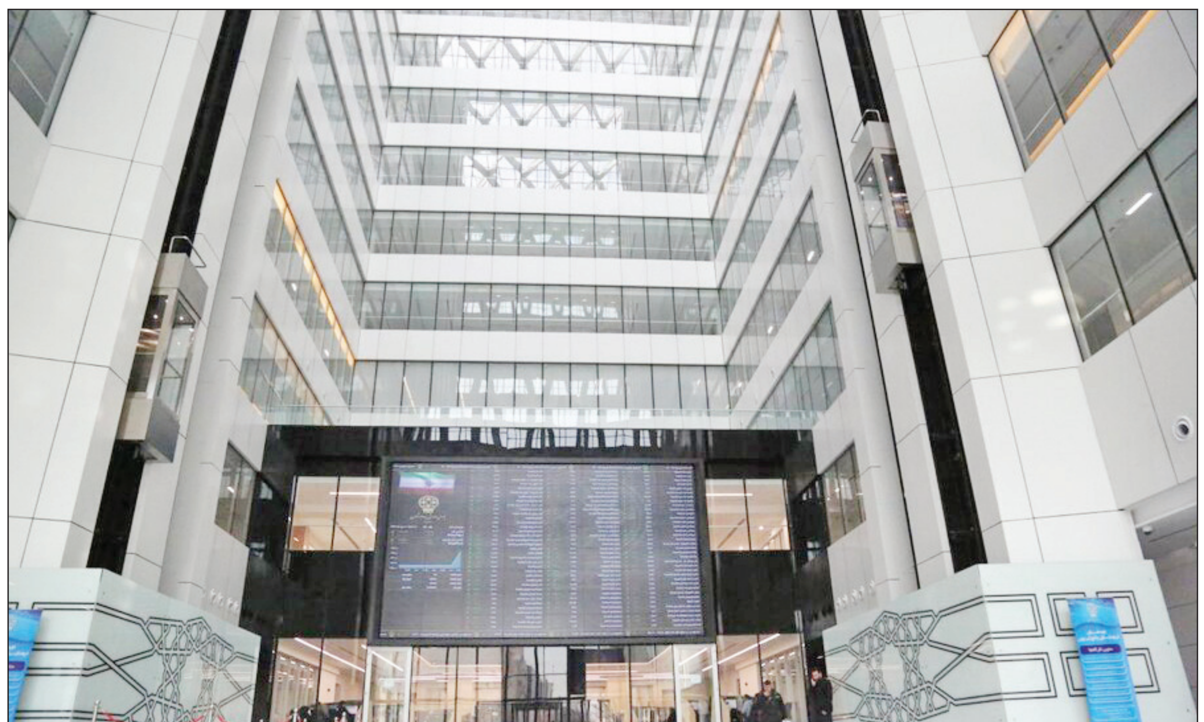
رویداد

لزوم تعیین فرمول پیش‌بینی‌پذیر برای نرخ خوراک پالایشی‌ها

رادیو گفت‌وگو | مهدی حاجی‌وند، کارشناس بازار سرمایه درباره آخرین تحولات نرخ خوراک پالایشی‌ها اظهار کرد: نرخ خوراک به عنـوان یکی از مهم‌ترین هزینه‌های مواد اولیه شرکت‌ها، تاثیر مستقیمی بر هزینه تولید، سودآوری و در نهایت ارزش سهام آنها در بازار سرمایه دارد. این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به توقف نمادهای مرتبط با این گروه در تالار شیشه‌ای افزود: یکی از مباحث مطرح‌شده این است که دولت قصد دارد در تخفیف‌های مربوط به پالایشـگاه‌ها و نرخ خوراک تجدیدنظـر کند؛ موضوعی که از منظر دولت می‌تواند به افزایش درآمدها و جبران بخشـی از کسری بودجه کمک کند، اما از منظر بازار سرمایه، آثار مستقیمی بر سودآوری شرکت‌ها خواهد داشت. وی با بیان اینکه سهامداران شرکت‌های پالایشی تنها اشخاص حقیقی و سـهامداران خرد نیستند، گفت: دولت و صندوق‌های وابسته به دولت نیز در این صنایع سهامدار هستند و سودآوری این شرکت‌ها بر منافع آنها اثر می‌گذارد؛ از سوی دیگر، سهام عدالت نیز در این مجموعه قرار دارد و کاهش سود شرکت‌ها می‌تواند بر منافع سهامداران عدالت نیز اثرگذار باشد. حاجی‌وند تاکید کرد: انتظار سهامداران و فعالان اقتصادی این نیست که دولت برای همیشه به صنایع تخفیف بدهد یا هیچ‌گاه نرخ خوراک را افزایش ندهد، بلکه مطالبه اصلی، پیش‌بینی‌پذیر شـدن نرخ خوراک است. وی ادامه داد: در بسیاری از کشورها نرخ خوراک بر اساس فرمول‌های مشخص تعیین می‌شود و همین موضوع به دولت، شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران امکان می‌دهد چشـم‌انداز هزینه‌ها و درآمدهای خود را پیش‌بینی کنند. حاجی‌وند با انتقاد از تصمیم‌گیری‌های غیرقابل پیش‌بینی درباره نرخ خوراک بیان کرد: گاهی دولت در شـرایط مالی قرار می‌گیرد و افزایش نرخ خوراک را به عنوان یکی از راه‌هـای افزایش درآمد یا جبران بخشی از هزینه‌ها انتخاب می‌کند؛ اما چنین تصمیمی می‌تواند بازار سرمایه را با نوسان و ابهام مواجه کند. این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به تجربه اردیبهشت ۱۴۰۲ گفت: در آن مقطع نیـز افزایش نرخ خوراک موجب شد بازار سهام نوسانات شدیدی را تجربه کند. وی افزود: اینکه نرخ خـوراک دقیقا باید چه عددی باشـد، موضوعی فنی و نیازمند بررسی کارشناسی اسـت، اما مهم‌تر از عدد نهایی، تعیین یک فرمول مشخص و قابل پیش‌بینی است. حاجی‌وند در تشریح آثار تغییر نرخ خوراک بر شرکت‌ها اظهار کرد: هرچه ماده اولیه با قیمت بالاتری در اختیار شـرکت‌ها قرار گیرد، هزینه تولید افزایش یافته و سود و حاشیه سود آنها کاهش پیدا می‌کند. وی افزود: کاهش حاشیه سود شرکت‌ها می‌تواند ارزش سهام آنها را در بازار سرمایه کاهش دهـد و به دنبال آن، انگیزه سـرمایه‌گذاری در این صنایع نیز کمتر شـود. از سوی دیگر، کاهش سود شـرکت‌ها می‌تواند بر درآمد دولت، صندوق‌ها و سهامداران عدالت نیز اثرگذار باشد. این کارشناس بازار سرمایه تاکید کرد: پیشنهاد فعالان بازار سهام این است که برای تعیین نرخ خوراک، جلسات تخصصی با حضور کارشناسان و فعالان بازار سرمایه برگزار شود و پس از رسـیدن به یک عدد منطقی، فرمولی ایجاد شود که برای سـرمایه‌گذاران قابل پیش‌بینی باشد. حاجی‌وند درباره وضعیت کوتاه‌مدت سهام پالایشی‌ها نیز گفت: وقتی در بازار سرمایه ابهام ایجاد می‌شود، طبیعی اسـت که اقبال برای خرید سهام شرکت‌ها کاهش پیدا کند و همین مساله می‌تواند روند منفی در نمادهای مرتبط با پالایشـی‌ها ایجاد کند. وی با اشاره به توقف معاملات این نمادها اظهار کرد: سازمان بورس از روز شـنبه نمادهای این گـروه را متوقف و معاملات آنها را نیز لغو کرد تا شفاف‌سازی مناسبی درباره نرخ خوراک انجام شـود. این کارشناس بازار سرمایه، توقف نمادها را اقدامی در راستای حفاظت و صیانت از سرمایه‌گذاران دانست و گفت: این اقدام باعث می‌شود بازار سرمایه اثر کمتری از ابهام موجود بپذیرد، اما طولانی شدن توقف نیز می‌تواند سیگنال منفی به بازار سهام منتقل کند. حاجی‌وند با اشاره به اینکه بازار سرمایه پیش از ایجاد حواشی اخیر، بر اساس فرمول‌های قبلـی و اطلاعات موجود در صورت‌های مالی سهام پالایشی‌ها را معامله می‌کرد، گفت: اکنون باید منتظر ماند و دید میـزان افزایش احتمالی نرخ خوراک چقدر خواهد بود و متناسـب با آن، واکنش سـهامداران چگونه خواهد بود. این کارشناس بازار سـرمایه در بخش دیگری از سـخنان خود با تاکید بر ضرورت حضور موثرتر سـازمان بورس در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی گفت: رییس سـازمان بورس، با توجه به تاثیر متقابل بازار سرمایه و اقتصاد کشور، می‌تواند مانند رییس بانک مرکزی در جلسات هیات وزیران حضور داشته باشد تا دغدغه‌های بازار سرمایه پیش از اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی مطرح شود. حاجی‌وند تصریح کرد: اگر تصمیمات اقتصادی پیش از رسـانه‌ای شـدن و ابلاغ نهایی، در جلسات کارشناسی بررسی شود، دیدگاه‌های مختلف مطرح خواهد شد و تصمیم پخته‌تری به بازار سرمایه و اقتصاد کشور منتقل می‌شود. وی گفت: همه اجزای اقتصاد مانند اعضای یک بدن هستند و تصمیمات مربوط به یک بخش می‌تواند بر بخش‌های دیگر نیز اثر بگذارد؛ بنابراین هرچه تصمیمات کارشناسـی‌تر و پخته‌تر باشند، صدمات آنها به اقتصاد، سهامداران، پروژه‌ها و سرمایه‌گذاران کمتر خواهد بود. حاجی‌وند درباره اخبار منتشرشده پیرامون تصمیم‌گیری دولت درباره نرخ خوراک نیز اظهار کرد: خبرهای مختلفی درباره مواضع برخی وزرا منتشر شده، اما فعالان بازار سرمایه باید منتظر خبر رسمی و شفاف‌سازی نهایی باشند. وی افزود: تا زمانی که تصمیم رسـمی اعلام نشود و شـرکت‌ها آثار آن را در صورت‌های مالی خود نشان ندهند و در کدال شفاف‌سازی نکنند، نباید به حواشی و اخبار غیررسمی وزن زیادی داد. این کارشناس بازار سرمایه ادامه داد: سازمان بورس، وزارت اقتصاد، وزارت نفت و سایر نهادهای مرتبط در حال رایزنی و برگزاری جلسـات هسـتند و باید منتظر خروجی نهایی این جلسات بود. حاجی‌وند همچنین با اشاره به تکذیب خبرهای مربوط به موضع منفی وزیر اقتصاد درباره نرخ خوراک گفت: خبر رسـمی مبنی بر اینکه وزیر اقتصاد تاکید کرده باشد حتما به دنبال افزایش نرخ خوراک است، نشنیده‌ایم و بهتر است حواشی کنار گذاشته شود. این کارشناس بازار سرمایه در پایان بر ضرورت پیش‌بینی‌پذیر شدن اقتصاد تاکید کرد و گفت: فعالان اقتصادی باید بدانند در سال آینده و سال‌های بعد، نرخ‌های مهمی مانند نرخ ارز و نرخ خوراک بر اساس چه فرمولی تعیین خواهند شد. پیش‌بینی‌پذیر شدن اقتصاد می‌تواند کمک زیادی به بهبود شرایط اقتصادی کشور و افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران کند.

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

یک قدم تا شاخص ۸ میلیونی



شـاخص کل بورس تنها یک قدم تا ورود به محدوده ۸ میلیون واحدی فاصله دارد و اگر امروز محدودیت خاصی جلودار بازار نشـود احتمالا در همان ساعات اولیه شـاخص عدد ۸ میلیونی را لمس کند؛ اما یک مساله اساسی وجود دارد؛ آن هم مقاومت شاخص در ورود به محدوده‌های جدید است. همواره شاخص کل بورس تهران در هنگام ورود به محدودیت‌های جدید با مقاومت‌هایی خاص روبه رو می‌شود و اکنون نیز به عقیده بسیاری احتمالا شاخص بورس در هنگام ورود به محدوده جدید با مقاومت روبه رو خواهد شد.
بازار سهام و حتی بازارهای موازی آن طی هفته اخیر روزهـای خوبی را تجربه کردند و هر یک توانسـتند عددهای جدیدی را به عنـوان رکورد ثبت کنند؛ اما مساله اساسی اینجاسـت که بورس تهران برخلاف سایر بازارها در این میان با خروج نقدینگی نیز مواجه شده اسـت. در اصل سـایر بازارها خصوصا بازار ارز با فروش ارز سهمیه‌ای شاهد افزایش ورود نقدینگی به این بازار هستیم و در مقایسه بورس در برخی روزها با کمبود و خروج نقدینگی مواجه است. همین عوامل و مقاومت شـاخص، همچنین ریسـک‌های موجود دست به دسـت هم می‌دهد تا شاخص در رسیدن به عدد ۸ میلیونی کمی مقاومت نشان دهد. البته ممکن است شـاخص طی روز جاری با سرعت قابل توجهی وارد محدوده جدید شود و به نوعی تمامی سناریوها را پشت سر بگذارد.
برخی کارشناسان عقیده دارند که این رشد بازار ناشی از شروع انتشار گزارش مالی شرکت‌هاست و با افزایش انتشار گزارش‌های مالی شاهد رشد بیشتر بازار خواهیم بود. در اصل این موضوع بدان معناست که بسیاری از شرکت‌ها با انتشار صورت مالی جدید خود نشان دادند که بسیار ارزنده هستند و این ارزندگی ادامه‌دار خواهد بود و در نهایت سرمایه‌گذاری در این سهام و شرکت‌ها می‌تواند برای سـهامداران سودهای قابل توجهی به همراه داشته باشد.
بورس تهران طی روز سـه شـنبه نیـز در ادامه روند صعودی روزهای اخیر، شاهد برتری محسوس تقاضا بر عرضه بود؛ به‌طوری که بخش عمده نمادهای بازار در محدوده مثبت معامله شدند و تعداد صف‌های خرید فاصله قابل توجهی با صف‌های فروش داشت. در چنین شرایطی، شاخص‌های اصلی بازار نیز رشد بیش از ۲ درصدی را تجربه کردند و شاخص کل در یک قدمی کانال ۸ میلیون واحد قرار گرفت.
شاخص کل بورس در جریان معاملات چهارمین روز کاری هفته یعنی سـه شنبه با رشد ۱۸۷ هزار و ۲۶۹ واحدی، معادل ۲.۴ درصد افزایش یافت و در سطح ۷ میلیون و ۹۷۷ هزار و ۱۷۲ واحد ایستاد. شاخص کل هم‌وزن نیز با افزایش ۴۸ هزار و ۱۹۲ واحدی، رشـد ۲.۳۳ درصدی را ثبت کرد و به سطح ۲ میلیون و ۱۱۳ هزار و ۹۶۶ واحد رسید.
بررسی وضعیت نمادها نشان می‌دهد رشد، بازار تنها محدود به چند سهم بزرگ و شاخص‌ساز نبوده و تقاضا در بخش گسترده‌ای از بازار حضور داشته است. در پایان معاملات، ۸۱۷ نماد در محدوده مثبت قرار گرفتند و تنها ۴۶ نماد معاملات خود را در محدوده منفی به پایان رساندند. همچنین ۶۰۳ صف خرید در برابر تنها ۱۱ صف فروش شکل گرفت؛ آماری که به‌خوبی از برتری سنگین سمت تقاضا حکایت دارد.

◄ رشد ارزش خرید در بازار

یکی از نشـانه‌های مهم قدرت تقاضا در معاملات روز اخیر، اختلاف قابل توجه ارزش سفارش‌های خرید و فروش بود. ارزش سفارش‌های خرید در پایان بازار به ۱۸ هزار و ۲۵۴ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان رسید، در حالی که ارزش سفارش‌های فروش تنها ۴۹۷ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان بود.
این فاصله نشان می‌دهد که در پایان معاملات، حجم تقاضای ثبت‌شده در سامانه معاملات به مراتب بیشتر از عرضه موجود بوده اسـت. البته باید توجه داشـت که بخشـی از این اختلاف به دلیل قرار گرفتن تعداد زیادی از نمادها در صف خرید ایجاد شده و لزوما تمام سفارش‌های خرید ثبت‌شده به معامله منجر نشده‌اند.
در همین راستا، سرانه خرید حقیقی‌ها در معاملات این روز به ۱۱۱ میلیون تومان رسـید، در حالی که سرانه فروش ۷۰ میلیون تومان بود. قدرت خرید نیز در سطح ۱.۵۹ قرار گرفت که نشـان می‌دهد میانگین ارزش سفارش‌های خرید فاصله محسوسی با سفارش‌های فروش داشته است.
در جریان معاملات سـهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی، حدود ۷ هزار و ۵۹۹ میلیارد تومان پول وارد بازار شد؛ رقمی قابل توجه که نشان می‌دهد تقاضای ایجادشـده در بازار صرفا به تشکیل صف‌های خرید محدود نبـوده و ورود نقدینگی نیـز آن را همراهی کرده است.

◄ خروج نقدینگی از درآمد ثابت‌ها

همزمان با این اتفـاق، ۴ هزار و ۱۱۴ میلیـارد و ۸۰۰ میلیون تومان پول از صندوق‌هـای درآمد ثابت خارج شد. بخشـی از این منابع می‌تواند در کنار سایر منابع نقدینگی، به سمت بازار سهام حرکت کرده باشد. البته ارتباط مستقیم میان خروج پول از صندوق‌های درآمد ثابت و ورود آن به سهام را نمی‌توان بدون بررسی جزیی‌تر جریان معاملات تایید کرد، اما همزمانی این دو اتفاق از تغییر بخشی از ترجیحات سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه حکایت دارد. ورود قابل توجه پول به سهام در شرایطی رخ داده که بازار طی روزهای اخیر نیز شاهد رشد شاخص‌ها و افزایش تقاضا بوده است. بنابراین در معاملات امروز، جریان نقدینگی را می‌توان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تداوم قدرت خریداران دانست. در مقابل، ارزش معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی در این روز به ۲۸ هزار و ۸۳۴ میلیارد تومان رسید که در مقایسه با سطوح بالای ارزش معاملات در برخی روزهای گذشته، کاهش نشان می‌دهد. با این حال، این کاهش ارزش معاملات در شـرایط فعلی لزوما به معنای کاهش جذابیت بازار یا عقب‌نشینی خریداران نیست. علت اصلی را باید در وضعیت بسیاری از نمادهای بازار جست‌وجو کرد. زمانی که تعداد زیادی از نمادها در صف خرید قفل می‌شوند، بخش قابل توجهی از تقاضا امـکان انجام معامله پیدا نمی‌کند. در نتیجه، اگرچه حجم سـفارش‌های خرید بالاسـت، اما همه این سـفارش‌ها به معاملات قطعی تبدیل نمی‌شـوند. همین موضوع می‌تواند باعث شود ارزش معاملات در چنین روزهایی حتی با وجود ورود پول سنگین و رشد شاخص‌ها، پایین‌تر از روزهای عادی بازار ثبت شود. کاهش ارزش معاملات باید در کنار تعداد بالای صف‌های خرید، ارزش سفارش‌های خرید و ورود نقدینگی مورد بررسی قرار گیرد. اگر در روزهای آینده با باز شدن صف‌های خرید، بخشی از این تقاضا به معاملات واقعی تبدیل شـود و گردش نقدینگی در بازار افزایش یابد، افت امروز ارزش معاملات به تنهایی نشانه هشدار محسوب نخواهد شد. حجم معاملات روز سه شنبه نیز به ۵۹ میلیارد سهم رسید و در کنار این رقم، رشد بیش از ۲ درصدی شـاخص‌های اصلی، ورود ۷ هزار و ۵۹۹ میلیارد تومان پول به سـهام، تشکیل ۶۰۳ صف خرید و قرار گرفتن ۸۱۷ نمـاد در محدوده مثبت، تصویری نسبتا روشن از شرایط بازار ارایه می‌دهد. به نظر می‌رسد در معاملات این روز، موج تقاضا همچنان دسـت بالا را داشته و فروشندگان نتوانسته‌اند تعادل بازار را به سمت عرضه تغییر دهند. با این حال، قرار گرفتن شاخص کل در محدوده نزدیک به ۸ میلیون واحد می‌تواند در ادامه، حساسیت معامله‌گران را افزایش دهد و نحوه رفتار بازار در این محدوده اهمیت بیشتری پیدا کند. اکنون برای ارزیابی پایداری این روند، تنها رشد شاخص‌ها اهمیت ندارد، بلکه باید دید آیا ورود پول حقیقی ادامه‌دار خواهد بود، صف‌های خرید به معاملات واقعی تبدیل می‌شوند و ارزش معاملات همزمان با عبور شـاخص از سـطوح فعلی افزایش پیدا می‌کند یا خیر. به‌طور کلی معاملات روز سه‌شنبه به گونه‌ای دیگر رقم خورد و بازار توانست تا یک قدمی شاخص ۸ میلیونی پیش برود. به‌طور کل در این بازار خریداران نسبت به فروشندگان برتری دارند و توانسته‌اند شرایط بهتری را برای سرمایه‌گذاران رقم بزنند؛ از سوی دیگر با وجود رشد نرخ دلار نیز نقدینگی نیز با سرعت قابل توجهی نیز وارد بازار می‌شود و به نظر می‌رسد که این روند صعود همچنان ادامه‌دار باشد.

فصل مشترک نهاد و ناظر



معاونت نظـارت بر نهادهای مالی سـازمان بورس و اوراق بهادار در ادامه تلاش‌هـا برای بازتعریف رابطه میان نهاد ناظر و فعالان حرفه‌ای بازار سرمایه، سلسله نشست‌هایی با عنوان «فصل مشترک؛ نهاد و ناظر» را آغاز کرده است؛ نشست‌هایی که قرار است به جای تمرکز صرف بر مسـائل روزمره و مقـررات موجود، زمینه‌ای برای شناسایی ریشه مشکلات، بازنگری در تقسیم وظایف نظارتی و استفاده بیشتر از ظرفیت‌های حرفه‌ای ارکان بازار فراهم کنند. این سلسله نشست‌ها بر سـه محور اصلی «صیانت از سـلامت و اعتماد»، «توسعه ظرفیت نهادهای مالی» و «تامین مالی بخش واقعی اقتصاد» استوار شـده است. در این چارچوب، سازمان بورس تلاش دارد مسائل موجود در هر بخش از بازار سرمایه را نه فقط از منظر نهاد ناظر، بلکه با حضور مستقیم فعالان همان حوزه بررسی کند تا در نهایت، مشکلات شناسایی‌شـده به تصمیم، پروژه اجرایی، اصلاح مقرره یا فرآیند مشخص تبدیل شوند. دومین نشست این سلسله جلسات با حضور کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار و اعضای کارگروه توسعه این کانون برگزار شد و موضوع اصلی آن «کانون‌ها و تقسیم کار نظارتی؛ بازطراحی نقش سازمان، کانون‌ها و سایر ارکان حرفه‌ای» بود. همین عنوان نشان می‌دهد که یکی از موضوعات مهم مطرح‌شده، حرکت از نظارت متمرکز به سمت استفاده بیشتر از ظرفیت نهادهای حرفه‌ای و خودانتظام بازار سرمایه است.

◄ نظارت بیشتر یا نظارت موثرتر؟

علی نیازی، معاون نظارت بر نهادهای مالی سـازمان بورس و اوراق بهادار، در این نشست بر یک نکته کلیدی تاکید کرد: هدف از بازطراحی نظام نظارتی، افزایش یا کاهش حجم نظارت نیسـت، بلکـه باید کیفیت و اثربخشی آن ارتقا پیدا کند. به گفته او، مساله اصلی، «نظارت موثرتر، هدفمندتر و متناسب با سطح ریسک و مسوولیت» است. چنین رویکردی می‌تواند به معنای تغییر نگاه سازمان بورس به نحوه نظارت بر نهادهای مالی باشد؛ به این معنا که همه بخش‌ها و فعالان بازار با یک شـدت و روش واحد مورد نظارت قرار نگیرند و منابع نظارتی بیشتر به سمت حوزه‌هایی هدایت شوند که ریسک بالاتر یا اهمیت بیشتری دارند. این رویکرد البته نیازمند بازتعریف دقیق وظایف میان سـازمان بورس، کانون‌ها و سـایر ارکان حرفه‌ای بازار است. بر اساس مباحث مطرح‌شده در این نشست، قرار نیست مسوولیت‌های حاکمیتی سازمان بورس کنار گذاشته شـود، بلکه موضوع اصلی، استفاده از ظرفیت قانونی و حرفـه‌ای کانون‌ها در بخش‌هایی اسـت که امکان تقسـیم کار و واگذاری مسوولیت وجود دارد. به بیان دیگر، اگر قرار باشد کانون کارگزاران در برخی حوزه‌ها نقش فعال‌تری در فرآیند نظارت داشـته باشد، باید حدود اختیارات، مسوولیت‌ها و پاسخگویی هر یک از طرفین به‌صورت شفاف تعیین شود. داده؛ پیش‌شرط تقسیم کار نظارتی یکی از موضوعاتی که در جریان این نشست مورد توجه قرار گرفت، دسترسی به داده‌های متمرکز بود. نظارت حرفه‌ای و مبتنی بر ریسک بدون دسترسی به اطلاعات دقیق و به‌موقع عملا امکان‌پذیر نیست. در همین راسـتا، تاکید شد که اگر قرار باشد بخشی از وظایف نظارتی به ارکان حرفه‌ای بازار سپرده شود، دسترسی آنها به داده‌های مورد نیاز باید متناسب با مسوولیتشـان فراهم شود. از سـوی دیگر، صرف دسترسی به اطلاعات نیز کافی نیست. نحوه استفاده از داده‌ها، استانداردهای گزارش‌دهی، مسوولیت در قبال تصمیمات و سازوکار پاسـخگویی باید از قبل مشخص باشد. بنابراین، بازطراحی تقسیم کار نظارتی را نمی‌توان صرفا یک تغییر سازمانی دانست؛ این فرآیند به زیرساخت اطلاعاتی، حرفه‌ای و حقوقی نیاز دارد.

◄ کانون کارگزاران از تشکل صنفی تا رکن حرفه‌ای؟

یکی از محورهای مهم دومین نشست «فصل مشترک؛ نهاد و ناظر»، بررسـی ظرفیت‌های کانون کارگزاران برای ایفای نقش گسـترده‌تر در حوزه‌های نظارتی، حرفه‌ای و توسعه‌ای بود. علی نیازی در این زمینه تاکید کرد که نقش کانون‌ها نباید تنها به پیگیری مسـائل صنفی محدود شـود. به اعتقاد او، کانون‌ها می‌توانند در توانمندسازی اعضا، تدوین و توسعه استانداردهای حرفه‌ای، ارتقـای دانش و مهارت کارکنـان و ایجاد زمینه همکاری و هم‌افزایی میان اعضای صنعت نقش پررنگ‌تری داشته باشند. این موضوع می‌تواند یکی از تغییرات مهم در ساختار تعامل میان نهاد ناظر و فعالان بازار باشد. کانون‌ها به دلیل ارتباط نزدیک‌تر با اعضای صنعت و شـناخت مسـائل عملیاتی آنها، می‌توانند بخشی از مشکلاتی را که شاید در فرآیندهای متمرکز نظارتی دیرتر شناسایی شـوند، سریع‌تر شناسایی و برای آنها راهکار ارایه کنند. در این نشست همچنین موضوع استفاده بیشتر از ظرفیت کانون کارگزاران در نظارت بر رفتار حرفه‌ای و کارکنان صنعت کارگزاری مورد بررسی قرار گرفت. توسعه آموزش‌های تخصصی، استفاده از ظرفیت حسابداران و حسابرسان، بهره‌گیری از گزارش‌های ویژه حسابرسی و تقویت سازوکارهای حرفه‌ای در صنعت کارگزاری از دیگر موضوعاتی بود که مورد بحث قرار گرفت.

◄ طبقه‌بندی حرفه‌ای کارکنان کارگزاری

موضوع دیگری که در این نشست مطرح شد، طراحی چارچوبی مشخص برای طبقه‌بندی سطوح حرفه‌ای کارکنـان صنعت کارگـزاری بود بر اسـاس دیدگاه مطرح‌شده، کارکنان صنعت کارگزاری از نظر تجربه، دانش، تخصص و میزان مسـوولیت در یک سـطح قرار ندارند و به همین دلیل، می‌توان برای مشـاغل مختلف، سـطوح حرفه‌ای مشـخصی تعریف کرد. این موضوع می‌تواند به‌ویژه برای مشـاغل تخصصی مانند معامله‌گری اهمیت داشته باشد. تعریف سطح حرفه‌ای برای افراد می‌تواند علاوه بر افزایش کیفیت نیروی انسانی، مبنایی برای طراحی نظارت متناسب با میزان مسوولیت و ریسک فعالیت افراد نیز قرار گیرد. در واقع، نظارت ریسک‌محور تنها درباره شرکت‌ها و نهادهای مالی نیست و می‌تواند در سطح کارکنان و مسوولیت‌های حرفه‌ای نیز معنا پیدا کند.

◄ کانون چه می‌خواهد؟

در سوی دیگر این گفت‌وگو، حسن رضایی‌پور، دبیر کل کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار، بر ضرورت تقویت ظرفیت‌های کانون برای ایفای نقش گسترده‌تر تاکید کرد. او دسترسی به داده‌های متمرکز مورد نیاز برای انجام وظایف نظارتی و همچنین تقویت منابع انسانی و زیرساخت‌های کانون را از الزامات این مسیر دانست. ایـن موضوع اهمیت زیـادی دارد، چراکـه واگذاری یا تقسیم بخشی از وظایف نظارتی، بدون تامین منابع لازم می‌تواند نه‌تنها به افزایش کارایی منجر نشود، بلکه حتی بار جدیدی بر ساختارهای حرفه‌ای بازار ایجاد کند. اعضای کارگروه توسعه کانون نیز در این نشست پیشنهادهایی برای استفاده بیشتر از ظرفیت‌های حرفه‌ای صنعت در فرآیند نظارت و توسعه صنعت کارگزاری مطرح کردند.

◄ تعارض منافع؛ چالش جدی خودانتظامی

با وجود تاکید بر استفاده از ظرفیت کانون‌ها، یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در مسیر توسعه نقش آنها وجود دارد، مساله تعارض منافع است. کانون کارگزاران از یک سو نماینده و متولی منافع حرفه‌ای اعضای خود است و از سوی دیگر، در صورت پذیرش مسوولیت‌های نظارتی، باید بتواند با استقلال و بی‌طرفی نسبت به رفتار همان اعضا اظهار نظر و اقدام کند. به همین دلیل، در دومین نشسـت «فصل مشترک؛ نهاد و ناظر» تاکید شد که توسعه نقش نظارتی کانون‌ها باید همزمان با طراحی سازوکارهای مناسب حکمرانی، پاسخگویی و کنترل تعارض منافع انجام شـود. تفکیک روشـن نقش‌های صنفی، حرفـه‌ای و نظارتی کانون یکی از الزامات اصلی چنین مدلی خواهد بود. اگر مرز میان این نقش‌ها مشخص نباشد، احتمال دارد مسوولیت‌های نظارتی با منافع صنفـی تداخل پیدا کند و در نهایت استقلال فرآیند نظارتی تحت تاثیر قرار گیرد. بنابراین هرگونه حرکت به سمت تقسیم کار نظارتی، نیازمند قواعد روشن و سازوکارهای کنترلی خواهد بود.

◄ توسعه صنعت در کنار نظارت

یکی از نکات مهم مطرح‌شده در این نشست آن بود که توسعه صنعت و نظارت موثر نباید دو هدف متضاد تلقی شوند. نظارت متناسب با ریسک می‌تواند منابع سازمان بورس را از فعالیت‌های کم‌ریسک‌تر به سمت حوزه‌هایی هدایت کند که احتمال آسیب بیشتری دارند. نتیجه چنین رویکردی، در صـورت اجرای صحیح، می‌تواند کاهش مداخلات غیرضروری و ایجاد فضای بیشـتر برای توسعه کسب‌وکارهای سالم و حرفه‌ای باشد. در این میان، اصلاح برخی مقررات برای ایجاد ظرفیت‌های جدید در صنعت کارگـزاری، افزایش همکاری میان کارگزاری‌هـا، اسـتفاده از ظرفیت‌های مشـترک و بهره‌گیری از تجارب و استانداردهای بین‌المللی در حوزه تنظیم‌گری و خودانتظامی نیز مورد توجه قرار گرفت.

◄ تشکیل کارگروه تلفیقی؛ گام‌بعدی چیست؟

دومین نشست «فصل مشترک؛ نهاد و ناظر» در نهایت به پیشنهاد تشـکیل یک کارگروه تلفیقی ختم شد؛ کارگروهی که قرار اسـت از نمایندگان کارگروه‌های تخصصی کانون کارگزاران تشکیل شود. قرار است این کارگروه موضوعاتی مانند تقسیم کار نظارتی، تعارض‌ها و همپوشانی‌های موجود، ظرفیت‌های توسعه صنعت و اصلاحات مورد نیاز در ساختارها و مقررات را به‌صورت متمرکز بررسی کند. هدف آن است که خروجی این بررسی‌ها در قالب برنامه‌ای زمانبندی‌شده برای تعامل و تصمیم‌گیری مشترک با سازمان بورس ارایه شود. اگر این فرآیند به مرحله اجرا برسـد، می‌تواند یکی از گام‌های مهم در تغییر مدل تعامل میان سازمان بورس و نهادهای حرفه‌ای بازار سرمایه باشد؛ مدلی که در آن، کانون‌ها صرفاً دریافت‌کننده مقررات و پیگیر مسائل صنفی نباشـند و بتوانند بخشـی از مسوولیت‌های حرفه‌ای و نظارتی را نیز بر عهده بگیرند.

اخبار

ارزش بازار صندوق‌ها سه برابر شد

ارزش بازار صندوق‌های سرمایه‌گذاری به حدود ۲ هزار و ۵۰۰ همت رسیده است. این رقم نسبت به مرداد ۱۰،۶ درصد و نسبت به شهریور سال گذشته ۱۹۸،۶ درصد افزایش نشان می‌دهد. ارزش بازار مجموع صندوق‌های قابل معامله در بورس تهـران، فرابورس، بورس کالا و بورس انرژی در پایان شهریور به ۲۴،۹۹۸،۶۹۱ میلیارد ریال، معادل حدود ۲۴۹۹،۹ همت، رسیده است. این رقم در مرداد ۲۲۵۹،۵ همت بود؛ بنابراین ارزش بازار صندوق‌ها تنها در یک ماه نزدیـک به ۲۴۰،۳ همت افزایش یافته اسـت. در میان چهار بازار، صندوق‌های کالایی بورس کالا بـا ارزش بازار حدود ۹۶۴،۶ همت، بزرگ‌ترین سهم را در اختیار دارند و حدود ۳۸،۶ درصد از کل بازار صندوق‌ها را تشـکیل می‌دهند. ارزش این بخش در شهریور نسبت به مرداد ۱۵،۶ درصد افزایش یافته که بیشترین رشـد ماهانه میان بازارهای مورد بررسی است. پس از آن بازارهای ابزارهای نوین مالی در فرابـورس ایران قرار دارد کـه ارزش بازار آن حدود ۷۵۰ همت است. مقایسه سالانه تصویر پررنگ‌تری از توسعه بازار صندوق‌ها ارایه می‌کند. ارزش کل این بازار در شهریور ۱۴۰۴ حدود ۸۳۷،۱ همت بود و اکنون به نزدیک ۲ هزار و ۵۰۰ همت رسیده؛ یعنی در یک سال تقریبا سه برابر شده اسـت. با این حال، افزایش ارزش بازار صندوق‌ها را نباید مستقیما معادل ورود نقدینگی جدید دانست. رشد قیمت دارایی‌های موجود در پرتفوی صندوق‌ها، ایجاد صندوق‌های جدید و افزایش اندازه صندوق‌های موجود نیز می‌تواند ارزش بازار را بالا ببرد. بنابراین آنچه آمار شـهریور با قطعیت نشان می‌دهد بزرگ‌تر شدن قابل توجه وزن صندوق‌ها در بازار سرمایه است که در شهریور با پیشتازی صندوق‌های کالایی شتاب بیشتری گرفته است.

صدور هزارمین کد نیروگاهی بورس انرژی

هزارمین کد نیروگاهی در بازار برق بورس انرژی صادر شد که بخش قابل توجه آن متعلق به نیروگاه‌های تجدیدپذیر اسـت. بعد از ابلاغ آیین‌نامه اجرایی بند «ب» ماده ۴۳ قانون پنج‌ساله هفتم پیشرفت در اردیبهشت‌ماه، روند صدور کد در بورس انرژی ایران شـتاب گرفت. بر این اسـاس، هزارمین کد نیروگاهی در بورس انرژی صادر شد؛ رکوردی که بخش قابل توجهی از آن به نیروگاه‌های تجدیدپذیر اختصاص دارد. این در شرایطی است که افزایش شمار بازیگران، به‌ویژه در تابلوی سبز، می‌تواند به تعمیق بازار، افزایش شـفافیت و گسـترش نقش انرژی‌های پاک در معاملات برق کشور منجر شود.

نقشه سیاستگذار برای ثبات بورس

صدای بورس | عظیم ثابت - کارشناس بازار سرمایه نوشت: بازار سرمایه کشور در حال حاضر با مجموعه‌ای از متغیرهای کلان و شـرایط خاص ناشـی از فضای بحرانی روبه‌رو است که سمت‌وسوی معاملات را تعیین می‌کنند. ریسـک‌های سیسـتماتیک فزاینده، تورم انتظاری پرشتاب، افزایش محسوس نرخ دلار و تنش‌های مداوم منطقه‌ای، به‌طور مستقیم بر عملکرد بنگاه‌ها اثر گذاشته و نااطمینانی را در میان اهالی بازار دامن زده‌اند. شـرکت‌های صادرات‌محور که همواره موتور محرک ارزآوری و شکوفایی اقتصاد به شمار می‌رفتند، این روزها با موانع جدی نظیر محاصره دریایی روبه‌رو شـده‌اند. این محدودیت‌ها توان این صنایع را در نقل‌وانتقالات کالا، تسویه مالی و کمک به منابع ارزی کشور به‌شدت تحت تاثیر قرار داده و فعالیت‌های لجسـتیکی آنان را سخت کرده است. مساله بنیادین دیگر، چگونگی تداوم زنجیره تولید و حفظ ثبات سودآوری در فصول پیش‌رو است. دولت به دلیل شرایط جنگی، به‌منظور جلوگیری از کمبود کالا و تسـهیل دسترسی مصرف‌کنندگان، موقتا دست از سیاست مخرب قیمت‌گذاری دستوری کشـیده اسـت؛ رویکردی که کالاها را گران‌تر کرده، ولی امکان رشد فروش شرکت‌ها را مهیا ساخته است. بررسی عملکرد ماهانه شرکت‌ها در شهریورماه و انتشار صورت‌های مالی شش‌ماهه نشان می‌دهد که شرکت‌ها از نظر مبلغ فروش و سـودآوری، آمـار مطلوبی ثبت کرده‌اند. این ارقام نشان‌دهنده تاب‌آوری عملیاتی بنگاه‌ها در مقایسه با سال مالی قبل است، هرچند چالش‌های آغاز نیمه دوم سال می‌تواند محاسـبات اهالی بازار را دچار تغییر کند. کسری منابع دولت کم‌پول، بزرگ‌ترین تهدید برای حاشیه سود پایدار بنگاه‌های تولیدی است. سـازمان بورس به عنوان متولی بازار مکلف اسـت تا جای ممکن از ایجاد شـوک‌های هزینه‌ای جلوگیری کنـد؛ هرچند شـرایط ویژه کشـور تصمیم‌گیری را پیچیده می‌کند. افزون بر این، تحولات بین‌المللی نظیر انتخابات میان‌دوره‌ای امریـکا و موضوعات راهبردی نظیر دستیابی به اجماع بر سر بازگشایی تنگه هرمز، افق پیش‌روی سرمایه‌گذاران را به‌شدت متاثر می‌سازد. انتظار می‌رود متولی بازار سـرمایه با تکیه بر تحلیل، برگزاری نشست‌های مکرر و چانه‌زنی با دولت و مجلس، از حقوق سـرمایه‌گذاران صیانت کنـد. این اقدامات باید مانع از رکود فعالیت بنگاه‌ها، فرسایش دارایی‌ها و خروج نیروهای متخصص شود تا سرمایه‌گذاران خرد، بازنشستگان و دارندگان صندوق‌ها بیش از این متضرر نشوند. ارزیابی مدیریت سازمان بورس در شرایط جنگی ۱۶ ماه اخیر مثبت است. مهار فضای هیجانی و کنترل بازاری ریسـک‌گریز در این مدت، کاری خطیر بود که اوج آن در نحوه بازگشـایی و مدیریت معاملات پس از تنش‌های موسوم به جنگ رمضان نمایان شد و شایسته تقدیر است. توسعه ابزارهای نوین، گسترش تنوع نهادها و افزایش سهم سرمایه‌گذاری غیرمستقیم که از دوره گذشته پایه‌گذاری شـده بود، در دوره فعلی نیز تداوم یافت. با این وجود، فعـالان بورس مطالباتی جدی در حوزه اصلاح ریزساختارها، توسعه ابزارهای بازارگردانی، راه‌اندازی مکانیزم‌های معاملاتی دوطرفه نظیر فروش استقراضی و تزریق نشاط به دادوستدها دارند. پرونده سهام عدالت همچنان یکی از گره‌های کور بازار است که ریشه در تصمیمات غیرکارشناسی سال ۱۳۹۹ دارد. فقدان افراد متخصص در راس مدیریت شـرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی و بی‌اعتنایی به حاکمیت شرکتی سـبب شـده تا مجامع قانونی برگزار نشده و سرمایه سهامداران خرد سال‌ها در بن‌بست عدم نقدشوندگی باقی بماند. کمیته سه‌نفره احراز صلاحیت‌ها نیز به‌علت نفوذ برخی گروه‌ها نتوانست گشایشی اساسی پدید آورد. حل این معضل و بازگشـایی نمادهای استانی، عزمی فراتر از بورس می‌طلبد و نیازمند همگرایی فوری ارکان تصمیم‌گیر اعم از دولت و مجلس است تا حقوق قانونی مردم احیا شده و نقدینگی منجمد آنها آزاد شود.